

بررسی نقش مثبت و منفی شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد جهانی در دوران پساجنگ سرد (مطالعه موردی آمریکا، چین، هند و ژاپن)

رامین فخاری^۱

چکیده

شرکت‌های چندملیتی هم‌اکنون بخشی از اقتصاد جهانی را شامل می‌شوند و در بیشتر کشورهای جهان حضور دارند. هدف مقاله حاضر بر این مبناست که میزان نقش و تأثیرگذاری شرکت‌های چندملیتی را بر اقتصاد جهانی و بصورت خاص بر اقتصاد چهار کشور آمریکا و چین و هند و ژاپن بررسی نماید و این مسأله را مشخص نماید که شرکت‌های چندملیتی به چه میزان در شکوفایی اقتصاد این چهار کشور در دوران پساجنگ سرد تأثیرگذار بوده‌اند که این مسأله می‌تواند مسیر مشخصی را در راستای نحوه تعامل کشورهای در حال توسعه با شرکت‌های چندملیتی روشن نماید. در این مقاله از روش پژوهش قیاسی گونه، کاربردی موردی و ایستاسنجی استفاده شده است. یافته‌ها نیز از این مسأله حکایت دارد که شرکت‌های چندملیتی می‌توانند مزیت‌های مختلف اقتصادی برای کشورهای مادر و کشورهای میزبان داشته باشند و مزایای مانند انتقال تکنولوژی را به کشور میزبان داشته باشند، اما مضراتی مانند مخاطره قرار دادن اقتصادهای ملی و وابستگی اقتصادی را برای کشور میهمان داشته باشد و در نهایت می‌توان نتیجه‌گیری نمود که شرکت‌های چندملیتی تبعات مثبت زیادی را بر اقتصاد جهانی و صادرات کالا داشته‌اند ولی در عین حال دارای ابعاد منفی مانند گسترش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: شرکت‌های چندملیتی، اقتصاد جهانی، ثروت، فقر، صادرات

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی raminfakhari@gmail.com

مقدمه

مشخصات شرکت‌های چندملیتی عبارت است از دارایی و گردش مالی بسیار بالا که باید گفت برای تبدیل شدن یک شرکت برای شرکت چندملیتی باید تجارت این کشور بسیار بزرگ باشد و مالکیت عظیمی از مقدار دارایی‌های فیزیکی و مالی را داشته باشد و سود قابل توجهی داشته باشد همچنین شرکت‌های چندملیتی باید در هر کشور بازاریابی و تجارت را به شکل مختلفی انجام بدهند و شرکت تابعه داشته باشند در شرکت‌های چندملیتی دستورها از شرکت منبع به شرکت‌های تابعه صادر می‌شود شرکت‌های چندملیتی همیشه به رشد مداوم خود ادامه می‌دهند و سعی دارند که با سایر شرکت‌ها ادغام شوند شرکت‌های چندملیتی باید از فناوری‌های پیشرفته در زمینه تولید و بازاریابی استفاده کنند و مدیرانی را بکار بگیرند که از فناوری‌های پیشرفته استفاده کنند و مدیریت کارگران بطور مناسبی را اداره کنند.

در مدل منطقه‌ای شرکت‌های چندملیتی در هر منطقه‌ای یک مرکز فرماندهی وجود دارد و شرکت‌های تابعه گروه هم گزارش‌های خود را به آن قسمت می‌فرستند و بخشی از دستورات خود را از آن قسمت دریافت می‌کنند ولی در مدل چندملیتی شرکت‌ها در کشور مادر خود فعالیت دارند و شرکت‌های تابعه در کشورهای مختلف دستور خود تا خود را از شرکت مرکزی در کشور دستور می‌گیرند.

از نظر کارایی نیز شرکت‌های چندملیتی بیشتر قادرند به بازارهای هدف خود برسند زیرا به راحتی در کشورهای هدف آنها دست به تولید می‌زنند از نظر توسعه شرکت‌های چندملیتی بهتر از شرکت‌های داخلی هستند و جذابیت آنها برای نیروی کار محلی بیشتر می‌باشد دولت به دلیل مقدار قابل توجهی از مالیات‌های محلی که آنها می‌پردازند نیز از حضور شرکت‌های چندملیتی در کشور رضایت دارد و همچنین شرکت‌های چندملیتی می‌توانند در کشورهای هدف خود شغلی ایجاد کنند و ادغام شرکت‌های چندملیتی و بومی و کارگردان خارجی منجر به افزایش نوآوری می‌شود همچنین سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در شرکت‌های چندملیتی رایج می‌باشد.

۱- اهمیت موضوع

این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که شرکت‌های چندملیتی بخشی از اقتصاد جهانی را شامل می‌شوند و بررسی فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی و تأثیرات مثبت و منفی شرکت‌های چندملیتی بر روی کشورهای مختلف می‌تواند در تنظیم روابط کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که در فرآیند ادغام به اقتصاد جهانی می‌باشند می‌تواند حائز اهمیت باشد. بطور مثال می‌توان به حضور شرکت‌های چندملیتی آمریکایی در کشور ژاپن اشاره نمود و تأثیرات مثبتی که شرکت‌های چندملیتی بر روی اقتصاد ژاپن گذاشته‌اند می‌تواند برای کشورهای در حال توسعه در راستای تنظیم روابط خود راهگشا باشد، از سوی دیگر در نمونه

هند نیز هرچند حضور شرکت‌های چندملیتی در توسعه اقتصادی هند تأثیرگذار بوده است اما گفته می‌شود که منجر به افزایش شکاف‌های طبقاتی در این کشور شده است و می‌توان اضافه نمود که واکاوی تأثیرات منفی شرکت‌های چندملیتی می‌تواند در تنظیم روابط کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال ادغام به فرآیند جهانی شدن اثرگذار باشد و از اثرات منفی حضور شرکت‌های چندملیتی در کشورها بکاهد.

آثار متعددی در این زمینه چاپ شده است که می‌توان اشاره نمود که تفاوت این مقاله با آثار دیگر در این مسأله می‌باشد که مقالات قبلی بطور جداگانه تأثیرات شرکت‌های چندملیتی را بر کشور چین و هند و یا چین یا هند یا آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دادند اما این مقاله بصورت یک جمع‌بندی و بصورت تطبیقی به بررسی حضور شرکت‌های چندملیتی در آمریکا و هند و چین و شرکت‌های چندملیتی آمریکایی در ژاپن پرداخته و بصورت جمع‌بندی شده و بصورت جداگانه مزایا و مضرات حضور شرکت‌های چندملیتی را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

از جمله آثاری که پیشتر درباره شرکت‌های چندملیتی منتشر شده است می‌توان به مقالات زیر اشاره نمود:
- کوهندل اسحاق و همکاران (۲۰۲۰)، نقش شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد جهانی: مجله علوم اطلاعات و مدیریت و تصمیم‌گیری؛ مقاله‌ای که در سال ۲۰۲۰ با مشارکت کندل ساگان اسحاق و چند پژوهشگر دیگر منتشر شده است تحت عنوان نقش شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد جهانی پرداخته است، به بررسی شرکت ۷۹ چندملیتی اپل و تولید ارزان گوشی اپل در کشور چین و عرضه آن به بیش از دو نیم برابر قیمت تولید در بازارهای جهانی می‌پردازد.

- شی (۲۰۲۰)، حاکمیت شرکت‌های چندملیتی در چین؛ مقاله فوق به بررسی سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی در بازه‌های مختلف زمانی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ در کشور چین می‌پردازد. و همچنین به بررسی شرکت علی بابا که یک شرکت چندملیتی چینی است می‌پردازد.

- فنگ (۲۰۱۹)، لابی برون‌مرزی و تحدید خروج شرکت‌های چندملیتی؛ مقاله فوق نیز به روابط بین شرکت‌های چندملیتی آمریکایی با مکزیک و دلیل حضور شرکت‌های چندملیتی آمریکایی در مکزیک می‌پردازد.

- لی (۲۰۲۰)، فعالیت‌های سیاسی شرکت‌های چندملیتی در خاک آمریکا؛ مقاله فوق به بررسی فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی در ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و درباره محدودیت‌های قوانین آمریکا برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی مباحثی را مطرح می‌نماید و همچنین در زمینه لابی‌گری شرکت‌های چندملیتی در سیاست آمریکا و دلایل علاقه شرکت‌های چندملیتی آمریکایی به مکزیک موضوعاتی را مطرح می‌نماید.

- شنگ (۲۰۱۸)، نقش عوامل سیاسی در شکست شرکت‌های چندملیتی در اقتصادهای نوظهور؛ مقاله فوق
نقش عوامل سیاسی در شکست استراتژی شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد کشورهای نوظهور را مورد واکاوی
قرار می‌دهد. و شرکت‌های چندملیتی چینی و هندی و حضور شرکت‌های چندملیتی چینی در آمریکا را
مورد بررسی قرار می‌دهد.

هدف اصلی این تحقیق بررسی اثرات مثبت و منفی شرکت‌های چندملیتی بر اقتصاد کشور مادر شرکت
چندملیتی و تأثیراتی منفی و مثبتی که شرکت‌های چندملیتی بر اقتصاد کشور میزبان می‌گذارند می‌باشد و
فرضیه اصلی این تحقیق این می‌باشد که ورود یک شرکت چندملیتی به خاک یک کشور میزبان دارای تبعات
مثبت و منفی می‌باشد و سوال اصلی این پژوهش نیز براساس فرضیه اصلی بر این مبنی می‌باشد که
شرکت‌های چندملیتی چه تبعات مثبت و منفی بر کشور میزبان می‌گذارند و چه تأثیراتی بر اقتصاد کشور
مادر دارند؟

روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت اقتباس تأثیرات مثبت و منفی شرکت‌های چندملیتی در کشور میزبان و
تأثیرات مثبت آن بر کشور مادر از مقالاتی و نوشته‌هایی که در این زمینه منتشر شده‌اند می‌باشد و سعی
شده است که تأثیرات اقتصادی یا تأثیرات اقتصادی سیاسی شرکت‌های چندملیتی بر کشورهای میزبان و
اقتصاد کشور مادر از مقالات مشابه اقتباس شود. چهارچوب مقاله دارای دو حالت می‌باشد که در حالت نخست
به بررسی تأثیرات مثبت شرکت‌های چندملیتی در حالت کلی و بصورت موردی به مطالعه شرکت‌های
چندملیتی آمریکایی هندی و چینی می‌پردازد، در بخش دوم نیز مقاله به بررسی اثرات منفی شرکت‌های
چندملیتی عمدتاً بر اقتصاد کشورهای میزبان و بصورت جزئی به تأثیرات منفی شرکت‌های چندملیتی بر
سیاست و جامعه کشورهای میزبان می‌پردازد.

۸۰

۲- چهارچوب نظری

یک شرکت چندملیتی یک شرکت با سرمایه عظیم در خاک کشور مادر محسوب می‌شود که دارای شعبات
متعددی در کشورهای مختلف جهان می‌باشد که همه شعبات شرکت‌های تابعه شرکت مادر محسوب می‌شوند
و موظف به اطاعت از شرکت مادر می‌باشند، شرکت مادر نیز در ازای کسب فعالیت و سود اقتصادی در خاک
کشور میزبان اقدام به ارسال فناوری اشتغال‌زایی و کمک به صادرات کشور میزبان می‌نماید.

یک دسته‌بندی برای شرکت‌های چندملیتی وجود دارد:

(۱) شرکت‌های چندملیتی استعماری: این شرکت‌های چندملیتی علاقه‌مند هستند تا مواد خام را از
مستعمره‌ها استخراج و آن را به بازارهای کشور میزبان و محل دیگری انتقال بدهند و این شرکت‌ها با
جاه‌طلبی‌های سیاسی درگیر هستند.

۲) شرکت‌های چندملیتی مبتنی بر منابع: شرکت‌های چندملیتی نوادگان شرکت‌های استعماری هستند اما بطور کامل اصلاح و سازماندهی مجدد شده‌اند.

۳) شرکت‌های چندملیتی خدمات عمومی: این شرکت‌ها انحصاری هستند و انحصارات طبیعی و انتظارات اجتماعی را دارا می‌باشند و در معاملات محصولات و خدمات بهداشتی و آموزش و حمل و نقل شناخته شدند.

۴) شرکت‌های تولیدی: شرکت‌ها بعنوان شرکت‌های استاندارد شناخته می‌شوند و در تولید اقتصادهای نوظهور و علاوه بر این در ایجاد فناوری و تربیت نیروی متخصص و نیروی کار آموزش دیده نقش مهمی دارند.

۵) صنایع خدماتی شرکت‌های تخصصی: در فعالیتهای بزرگ مانند هتل‌ها خدمات سفر و گردشگری بانکداری بیمه و ... مشغول فعالیت هستند (Mead & others, 2020: 4-5).

۳- مزیت‌های اقتصادی حضور شرکت‌های چندملیتی

امروزه جهانی شدن بعنوان نیروی محرکه اقتصاد عمل می‌کند و شرکت‌های چندملیتی رفته‌رفته سهم خود را در تولید و توسعه رشد تولیدات داخلی تولید ناخالص داخلی یک کشور روزه‌روز بیشتر می‌کنند و از جنبه‌های مختلف از جمله اقتصاد سیاست و موقعیت این کشور در تجارت بین‌المللی و اقتصادهای منطقه‌ای تأثیرگذار می‌باشند. یکی از مزیت‌های شرکت‌های چندملیتی این است که کالاها و خدمات با قیمت پایین‌تر و کیفیت بالاتر در دسترس مصرف کنندگان قرار می‌گیرند و مصرف کنندگان انتخاب‌های گسترده‌تری را می‌توانند داشته باشند و این مسئله استانداردهای زندگی در کشورهای در حال توسعه را افزایش می‌دهد.

شرکت‌های چندملیتی علاقه بسیار زیادی برای حضور در اقتصادهای نوظهور دارند که این اقتصادهای نوظهور عبارت‌اند از آرژانتین، برزیل، شیلی، چین، کلمبیا، مصر، مجارستان، هند، اندونزی، مالزی، مکزیک، مراکش، پرو، فیلیپین، لهستان، روسیه، آفریقای جنوبی، تایلند و ترکیه.

کشف اقتصادهای نوظهور به دلیل بکر بودن منابع آنها و دسترسی راحت‌تر به منابع آنها و سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از دارایی‌های این کشورها بطور بالقوه مورد علاقه شرکت‌های چندملیتی هستند. در نهایت گفتنی است که میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ به رقم ۳ تریلیون دلار رسید و از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹ بیشتر منابع سرمایه‌گذاری این کشورها متعلق به بازارهای کشورهای نوظهور یعنی مواردی که در بالا اشاره شد شامل چین، هند، آفریقای جنوبی و ترکیه می‌باشد (Sakr, 2018: 35).

مورد بعد برتری‌های بازاریابی شرکت‌های چندملیتی هستند که به دلایل در دسترس بودن اطلاعات مطمئن و به روز بودن شرایط بازار و به استفاده از دلیل مارک و تصاویر و تکنیک‌های تبلیغاتی و فروش موثر شبکه

گسترده توزیع حمل‌ونقل و انبارداری گسترده می‌توانند موفق‌تر باشند و این مسأله یکی از دلایل مالی شرکت‌های چندملیتی است این شرکت‌ها دارای منابع مالی عظیم هستیم و از منابع مالی استفاده مقرون به صرفه هستند و به بازارهای سرمایه خارجی دسترسی آسانی دارند و می‌توانند بسیط منابع با کیفیت بالا را انجام بدهند مورد بعدی برتری فنی شرکت‌های چندملیتی است که می‌توانند بخش توسعه و تحقیق قوی داشته باشند و محصولات و فرایندهای جدید را به راحتی تولید کنند و دارای اختراعات و نوآوری‌های مختلف باشند شرکت‌های چندملیتی به دلایلی مانند اینکه کشورهای در حال توسعه فناوری نیاز دارد و سطح صنعتی شدن پایینی دارند و قادر نیستند از منابع معدنی و سایر منابع طبیعی خود استفاده کنند و کشور کمتر توسعه یافته که دارای کمبود بودجه و فناوری سطح پایین هستند و ذخایر ارزی کافی ندارند کشورهای کمتر توسعه یافته در بازاریابی محصولاتشان با مشکل مواجه هستند برتری‌هایی را در این کشورها دارا می‌باشند همچنین شرکت‌های چندملیتی بازارهای بزرگتر و به مناطق جغرافیایی وسیع‌تری گسترش یافتند و دسترسی دارند و بدین‌وسیله به مصرف کنندگان بیشتری دسترسی دارند و همچنین شرکت‌های چندملیتی بین نیروی کار ارزان‌تری دسترسی دارند که یک مزیت بزرگ است.

هرچند شرکت‌های چندملیتی برای کشورهای میزبان نیز دارای سودهای مالی فراوان هستند و عمده سود آنها به کشور صادرکننده می‌رسد و همچنین حضور شرکت‌های چندملیتی در خاک یک کشور منجر به افزایش صادرات و کاهش واردات می‌شود و به شکستن حمایت‌گرایی و انحصار در این کشورها کمک می‌نماید. از دهه ۱۹۹۰ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای جهان بطور متوسط ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافت و این بخشی از این سرمایه‌گذاری به سمت کشورهای در حال ظهور سرازیر شد که این اکثر غریب به اتفاق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در اقتصادهای نوظهور بویژه در کشورهای آسیایی نظیر چین و کشورهای کمتر توسعه یافته بواسطه شرکت‌های چندملیتی انجام شد در پروسه شرکت‌های چندملیتی هرچند که مجاورت و جغرافیایی بسیار حائز اهمیت می‌باشد و هزینه‌های حمل‌ونقل را تا اندازه زیادی کاهش می‌دهد که در بندهای بالا به آن اشاره شد اما مزیتی که وجود دارد این است که افزایش ارتباطات منجر به این مسئله شده است که هزینه‌ها تاحدی کاهش یابند (Rugraff & Hansen, 2011: 14).

هرچند که حضور شرکت‌های چندملیتی اقتصاد کشورها را شکوفا می‌کند اما ممکن است که سرمایه‌گذاران خرد محلی را سرکوب کند و کل بخش‌های اقتصادی کشورها را تحت تاثیر قرار بدهد این مسئله از بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی بدعت ملموس‌تر بوده است عده‌ای معتقدند که شرکت‌های چندملیتی کیفیت محصولات محلی را نیز با تأثیرگذاری بر شرکت‌های محلی افزایش می‌دهند و تقاضایی برای کالاهای میانی محلی را نیز افزایش می‌دهند که منجر به افزایش تولید و در نتیجه ارزان‌تر شدن کالاهای محلی نیز می‌شود.

همچنین گفته می‌شود که شرکت‌های چندملیتی فرصت‌هایی را برای تقسیم بازاریابی و خطرات بازار و تکذیب زنجیره ارزش براساس مقایسه مناطق بوسیله دسترسی به منابع و دارایی‌های جدید خود انجام می‌دهند و یک حالت چندوجهی را دارا می‌باشند که این مسئله یک مزیت مالی در سطح بین‌المللی و در سطح اقتصاد میزبان محسوب می‌شود و درحالی‌که شرکت‌های محلی در مقایسه با شرکت‌های بین‌المللی و چندملیتی بیشتر اوقات از نظر منابع مالی دچار محدودیت‌هایی می‌باشند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های شرکت‌های چندملیتی جذب سرمایه در داخل خاک میزبان است همچنین شرکت‌های چندملیتی در ایجاد زیرساخت‌ها در کشورهای میزبان نیز برای توسعه حمل‌ونقل خود مشارکت می‌کنند همچنین یکی از اهداف شرکت‌های چندملیتی در کشورهای خارجی افزایش بهره‌وری می‌باشد که بهره‌وری آنها با پیوند آنها با شرکت‌های وابسته ارتباط دارد. فروش بیش از نیمی از بازارهای شرکت‌های تابعه شرکت اصلی در خارج از کشور است و از این لحاظ نیز اگر میزان صادرات شرکت‌های تابعه را جزء شرکت کشور اصلی لحاظ کنیم که ورود شرکت‌های چندملیتی به یک کشور منجر به افزایش مقیاس و میزان تجارت خارجی یک کشور می‌شود یکی از مثال‌ها برای حضور یک شرکت چندملیتی خارجی در خاک یک کشور به کشور ژاپن ارتباط دارد که دفتر اصلی شرکت‌های چندملیتی در خاک ایالات متحده آمریکا قرار دارد و شرکت‌های ژاپنی باید برای دستور گرفتن از شرکت مادر با آمریکا تماس بگیرند همچنین شرکت‌های ۸۳ چندملیتی حضور بسیار فعالی در خاک هند و چین دارند و فعالیت‌هایی را در زمینه تحقیق و توسعه شرکت‌های چندملیتی توسط چینی‌ها و هندی‌ها در حال انجام می‌باشد شرکت‌های چندملیتی ژاپنی و تایلندی بعنوان نمونه‌ای از شرکت‌های چندملیتی کشورهای در حال توسعه می‌باشند مثلاً شرکت سوزوکی یک مثال موفقیت‌آمیز از یک شرکت چندملیتی بین ژاپن و هند می‌باشد همچنین وجود و حضور شرکت‌های چندملیتی در خاک ژاپن منجر به این مسئله شده است که سایر شرکت‌های ژاپنی نیز به سمت استاندارد شده‌اند و مدیریت تحت هدایت یک ستاد مرکزی قرار بگیرند و این مسئله نیز از تأثیرات جهانی شدن بر شرکت‌های ژاپنی می‌باشد حضور شرکت‌های چندملیتی منجر به سطح بالایی از یکپارچه‌سازی جهانی بین شرکت‌های سراسر جهان شده است و شرکت‌های ژاپنی و شرکت‌های اروپایی نیز متناسب با این الگوی یکپارچه‌سازی فعالیت‌های خود را دنبال می‌نمایند جریان کالا در هر منطقه باتوجه به فرهنگ خاص آن منطقه بین کشورها تفاوت دارد در یک رویکرد خاص شرکت‌های چندملیتی در افتتاح کل بازار اروپا را هدف قرار دادند و شرکت‌های آمریکایی چندملیتی توانستند جایی بین هم‌تایان ژاپنی و اروپایی خود را تشکیل دهند و یک بازار عظیم را به سبک مدیریت متمرکز در ایالات متحده آمریکا ایجاد نمایند که این مسئله یعنی تبعیت شرکت‌های چندملیتی از فرهنگ کشورها توانست در ژاپن به پیش برود زیرا به دلیل فرهنگ خاص

مردم این کشور شرکت‌های چندملیتی همگرایی بسیار زیادی با شرکت‌های آمریکایی داشتند و همچنین حضور شرکت‌های چندملیتی در اروپا و ژاپن منجر به ایجاد الگوهای یکپارچه در بین شرکت‌های اروپایی و ژاپنی شد پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ شرکت‌های چندملیتی بتوانند در حدود ۴۰ درصد از اقتصاد کشورهای توسعه یافته طی را شامل شوند اگرچه امروز نیز در هند و چین شرکت‌های چندملیتی توانسته‌اند نقش بسیار فعالی را در اقتصاد این کشورها بازی نمایند (Motohashi, 2015: 49).

در سال ۲۰۰۸ پنج شرکت بزرگ چندملیتی از جمله ول مارت ایالات متحده آمریکا اکسون موبیل ایالات متحده آمریکا رویال متعلق به تویوتا موتور متعلق به ژاپن و گسترش بسیار زیادی یافتند که بالاترین میزان متعلق به شرکت‌های چندملیتی آمریکایی بود شرکت‌های چندملیتی در این مقطع از داخل‌سازی به بین المللی شدن روی آوردند.

با رشد اقتصاد چین و توسعه یافتن این کشور و تبدیل این کشور به دورترین نقطه تجمع کارخانه‌های جهانی شرکت‌های جهانی و چندملیتی از ژاپن و غرب تحقیق و توسعه خود را در تأسیسات این کشور آغاز کردند و تأسیساتی را در این کشور و ایجاد نموده‌اند که همین مسئله نیز منجر به بیشتر شدن شتاب رشد اقتصادی چین شد چین سالانه بیش از دو میلیون مهندس کار تولید می‌کند و این تعداد مهندس‌ها در شرکت‌های مختلف از جمله شرکت‌های چندملیتی جذب می‌شوند.

۸۴

یک بررسی در سال ۲۰۱۰ نشان داده است که از ۳۰۰ شرکت بزرگ چند ملیتی آمریکایی ۷۷ درصد از آنها مقصد هند را برای خود و ۶۰ درصدشان مقصد چین و ۲۷ درصد آمریکای لاتین (به استثنای مکزیک) و ۲۵ درصد به سایر کشورهای آسیایی و ۱۶ درصد به اروپای غربی ۱۲ درصد کانادا و ۹ درصد مقصد مکزیک را برگزیده‌اند، البته یک شرکت چندملیتی ممکن است همزمان در مکزیک و چین یا چند نقطه جهان حضور داشته باشد.

هند به دلیل مزیت زبان انگلیسی و مهارت‌های فنی مورد علاقه شرکت‌های چندملیتی است ولی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ بازار فناوری اطلاعات این کشور به ۴۳ درصد کاهش یافت و بخشی از شرکت‌های چندملیتی این کشور به چین برزیل و مصر و آفریقای جنوبی مهاجرت کردند.

توجه به مالکیت وسیع دارایی‌های چندملیتی در کشورها این شرکت‌ها می‌توانند دامنه وسیعی در تحرک اقتصاد فراملی داشته باشند و ویژگی‌هایی مانند نیروی کار و سرمایه‌ای بالا می‌تواند قدرت سیاسی قابل توجهی را به شرکت‌های چندملیتی بدهد شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده آمریکا برای فرار از مالیات در سراسر جهان سرمایه‌گذاری کردند و توانستند از یارانه‌های قابل توجه کشورهای میهمان برخوردار شوند.

تا سال ۱۹۹۱ سیاست‌های اقتصادی دولت این بی‌نظمی در تجارت این کشور می‌شد ولی از سال ۱۹۹۱ به بعد و با ورود هند به فرآیند جهانی‌سازی و ادغام این کشور در اقتصاد بین‌المللی و حضور شرکت‌های

چندملیتی در هند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در هند سودآور شد بطور مثال در صنعت خودروی هند سوزوکی موتور اجازه ورود به بازارهای هند را استثنائاً از دهه ۱۹۸۰ یافت و موفقیت این شرکت چندملیتی در بازارهای هند زمینه را برای ورود سایر شرکت‌های چندملیتی در دهه ۱۹۹۰ به این کشور فراهم نمود در دهه ۱۹۹۹ به دنبال موفقیت شرکت سوزوکی موتورز که دولت این کشور به جنرال موتورز و شرکت پرت و هیوندا اجازه ورود به بازار هند را داد.

شرکت جنرال الکتریک نیز توانست از اواخر دهه ۱۹۹۰ فعالیت‌هایی در هند داشته باشد و در سال ۱۹۹۱ مرکز توسعه را در هند ایجاد کرد و از دهه ۲۰۰۰ به بعد بخش زیادی از تجارت خود را با هند انجام می‌دهد دولت هند در سال ۲۰۰۰ بطور جدی طرح‌های تشویقی را برای جذب شرکت‌های چندملیتی در این کشور انجام داده‌است و با ورود سرمایه و شرکت‌های چندملیتی به هند این کشور سالیانه رشد اقتصادی بیشتر از ده درصد را شاهد بوده است آزادسازی‌های تجاری و همچنین اصلاحات گسترده تجاری در این کشور با مقررات‌زدایی توانسته زمینه را برای ورود صنایع خودرو صنایع مخابرات و به این کشور فراهم نماید و ورود شرکت‌های چندملیتی خودرو و ارتباطات به این کشور منجر به توسعه خدمات مالی به بخش املاک و مستغلات و در این کشور شد و همچنین شرکت‌های چندملیتی با ورود خود به هند تعداد مناطق ویژه اقتصادی این کشور را تا اندازه زیادی افزایش دادند و شرکت‌های تابعه شرکت‌های چندملیتی در مناطق ویژه ۸۵ اقتصادی هند مشغول به فعالیت شدند (Motohashi, 2015: 198).

نیروی کار ارزان قیمت و وجود منابع نرم‌افزاری فراوان در هند که هزینه‌ها را بطور قابل توجهی کاهش داد این کشور را برای ورود شرکت‌های چندملیتی بسیار جذاب نمود و شرکت‌های چندملیتی با ورود به هند از سال ۱۹۹۸ بخشی از آزمایشگاه‌های تحقیق و توسعه خود را در این کشور بنا نهادند و مخصوصاً از سال ۲۰۰۱ به بعد بخشی از باشگاه‌های مربوط به نرم‌افزار توسط شرکت‌های چندملیتی نرم‌افزار در هند تاسیس شد همچنین در سال ۲۰۰۰ جنرال الکترونیک آزمایشگاه خود را در بنگلور هند با استخدام ۴ هزار محقق ایجاد نمود آمار شرکت‌های چندملیتی در هند تا سال ۲۰۱۰ به رقم ۶۴۹ شرکت رسید ولی عمده شرکت‌های حاضر در بازارهای هند شرکت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و شرکت‌های مربوط به نیمه هادی و شرکت‌های الکترونیکی و نرم‌افزاری بودند که به معروف‌ترین آنها جنرال الکترو نیک بود حضور شرکت‌های مختلف در هند زمینه را برای ورود سایر صنایع و متنوع کردن اقتصاد هند نیز فراهم نموده است برای مثال در سال ۲۰۱۱ شرکت دارویی Eizai Knowledge به هند ورود کرد و یک مرکز تحقیقاتی را در ایالت آندرا رادش ایجاد کرد و همچنین در سال ۲۰۱۱ شرکت هیتاچی نیز وارد هند شد.

جدول زیر تعدادی از شرکت‌های چندملیتی و زمینه فعالیت آنها و همچنین تعداد اختراعات ثبت شده این شرکت‌ها در کشور هند را به نمایش می‌گذارد.

جدول (۱) شرکت‌های چندملیتی در هند

1	IBM	IT	250
2	Texas Instruments	Semiconductor	211
3	GE	Medical devices	193
4	ST Microelectronics	Semiconductor	135
5	Honeywell Inc.	Electronics	93
6	Intel	Semiconductor	92
7	Cisco	Telecom equipment	91
8	Symantic	Software	91
9	Broadcom	Semiconductor	60
10	Hewlett-Packard	IT	57
11	Microsoft	Software	49
12	Sun Microsystems(*)	IT	43
13	Sabic Plastics	Chemicals	39
14	Freescale Semiconductors	Semiconductor	35
15	SAP	Software	31

۸۶

ورود شرکت‌های چندملیتی به هند و فعالیت آنها در این کشور منجر به رشد اقتصادی در هند و افزایش سطح درآمد شهروندان به دلیل تحت فشار قرار گرفتن بازارهای محلی برای رقابت با بازارهای جهانی و شرکت‌های چندملیتی و ثبت اختراعات می‌باشد و برخی از تولید کنندگان خودرو در بازارهای محلی را وادار کرده است تا سطح تولید محصولات خود را افزایش بدهند و در نتیجه رقابت شرکت‌های خودروسازی داخلی هند با شرکت‌های چندملیتی منجر به افزایش تولید خودرو و به تبع آن کاهش قیمت خودرو در داخل هند شده است مثلاً در سال ۲۰۱۲ دو میلیون و ۷۰۰ هزار اتومبیل در هند فروخته شد که این رتبه چهارمین رتبه فروش اتومبیل در یک کشور پس از چین، ایالات متحده آمریکا و ژاپن بوده است همچنین شرکت سوزوکی نیز رقمی در حدود ۱ میلیون و ۱۸۰ هزار اتومبیل در سال دو هزار و ۱۲ در هند تولید نمود که از این رقم ۱۲۰ هزار اتومبیل را صادر کرد و رقمی در حدود ۱ میلیون و ۶۰ هزار اتومبیل باقی مانده را در داخل هند فروخت و شرکت چندملیتی سوزوکی توانست با در آن سال ۳۸ درصد از بازار خودروسازی هند

را تسخیر نماید و علاوه بر این اتومبیل‌های فروخته شده هرکدام شامل هزاران و حتی ده‌ها هزار قطعه می‌باشند و سازندگان و تولید کنندگان قطعات و موبایل نیز سهمی از این بازار بودند و مشارگی در زمینه تولید قطعات و موبایل در هند بواسطه حضور شرکت چندملیتی که در این کشور ایجاد شد.

در گذشته انتقال دانش بین شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده آمریکا و ژاپن با چالش‌هایی مواجه بوده است زیرا این دو کشور دارای تفاوت‌های فرهنگی بوده‌اند و عدم انطباق فرهنگی آمریکا و ژاپن نیاز مکرر دخالت شرکت مادر را در شرکت‌های تابعه می‌طلبیده است و یادگیری فناوری در شرکت‌های ژاپنی به دلیل تفاوت فرهنگی و زبانی شرکت‌های مادر در آمریکا را با چالش‌هایی مواجه کرده است.

از بعد اقتصادی نیز انتقال پرسنل بین شرکت‌های تابعه و شرکت‌های مادر دارای هزینه‌های بالایی می‌باشد در نتیجه شرکت‌های چندملیتی به خوشه‌بندی فرهنگی برای سهولت انتقال دانش روی آوردند یک مورد موفق انتقال دانش بین شرکت‌های چندملیتی نیز انتقال دانش بین شرکت‌های آمریکایی و کانادایی بوده است که دو کشور آمریکا و کانادا دارای فرهنگ و زبان مشترکی بوده‌اند. در برخی از موارد بازارهای داخلی یک کشور شرکت‌های چندملیتی آنقدر بزرگ نیستند که بتوانند هزینه آن شرکت و سود مدنظر آن شرکت را تولید می‌کنند در نتیجه شرکت با ورود به بازارهای خارجی رشد می‌کند شرکت‌های ژاپنی در بازار ایالت متحده آمریکا حضور فعال دارند و اقدام به فروش اتومبیل و سایر لوازم الکترونیکی در بازار آمریکا می‌کنند ۸۷ شرکت‌های آمریکایی و اروپا نیز در بازارهای آسیایی حضور فعالی دارند زیرا در آسیا جمعیت این کشورها در حال افزایش است و سطح درآمد مردم آسیا نیز در حال افزایش می‌باشد و بازار جذابی برای شرکت‌های آمریکایی و اروپایی می‌باشند.

حضور سوزوکی در بازارهای هند منجر به این مسئله شد که تولید کنندگان اتومبیل هندی به سمت تولید لوازم ارزان قیمت و خودروهای ارزان قیمت بروند تا بتوانند رقابت‌پذیری خود را با محصولات سوزوکی حفظ نمایند و این مسئله منجر به تولید خودروهایی با وزن کمتر و کوچکتر در هند بود که دارای یک تطابق با وضعیت جغرافیایی و اقلیمی و جمعیتی این کشور بوده است.

اقتصاد ژاپن یک انطباق فراوانی با شرکت‌های چندملیتی خارجی برقرار کرد و این مسئله رشد و پویایی اقتصادی را برای این کشور فراهم نمود و توانست تا حد زیادی فعالیت صادراتی این کشور را به بازارهای خارجی افزایش بدهد همچنین ژاپن بوسیله شرکت‌های چندملیتی و مواد اولیه خود را وارد می‌کرد و صادرات این کشور نیز بوسیله شرکت‌های چندملیتی که کالاهای تولیدی خودرو و سایر موارد را شامل می‌شد انجام می‌گرفت و شرکت‌های چندملیتی توانستند نقش اساسی را در احیای مجدد صنایع ژاپن بازی نمایند هم‌اکنون

برخی تخمین‌ها می‌گویند که شرکت‌های چندملیتی در برخی از صنایع بیش از نیمی از فروش جهانی را شامل می‌شوند و این مسئله به شرکت‌های چندملیتی یک قدرت عظیمی را داده است.

شرکت‌های چندملیتی در بازار هند بسیار موفق بودند و تعداد شرکت‌های چندملیتی در بازار هند در طول ۲۰ سال چهار برابر شده است (Mead & others, 2020: 7).

شرکت بازرگانی کمپانی هند شرقی احتمالاً اولین شرکت چندملیتی بوده است که در سال ۱۶۰۰ میلادی به فعالیت گسترده اقتصادی می‌پرداخت در حالیکه شرکت‌های چندملیتی نوین در اواخر قرن نوزدهم شروع بکار کردند، پس از جنگ جهانی دوم سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی رونق گرفت و ایالات متحده شرکت‌های کلیدی چندملیتی را تأسیس نمود و سپس شرکت‌های ژاپنی و اروپایی به آنها پیوستند و امروز شرکت‌های چندملیتی می‌باشند را تأسیس نمود.

یک رابطه بین شرکت‌های چندملیتی هندی و ژاپنی وجود دارد و آن این است که هرچه که مواد واسطه شرکت‌های ژاپنی بیشتر است شوند انگیزه کاهش تعرفه‌ها در شرکت‌های ژاپنی نسبت به شرکت‌های هندی افزایش می‌یابد (Anderer & others, 2020: 625).

در هند افزایش شرکت‌های چندملیتی منجر به افزایش فرصت‌های شغلی افزایش درآمد دولت و طول عمر کالا شده است و سپس سیاست‌های ملی و محلی این کشور برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی یکپارچه شده‌اند با ورود شرکت چندملیتی آمازون به هند بیش از ۵۰ هزار شغل جدید در این کشور افزایش ایجاد شده‌اند و ورود آمازون به هند منجر به افزایش سطح دستمزدها در این منطقه شده است (Isaac & others, 2020: 623). شرکت چندملیتی هندی به نام ارتحال هند در ۱۶ کشور در سراسر آسیای جنوبی و آفریقا فعالیت دارد و دفتر آن در هند مستقر می‌باشد و ارائه دهنده تلفن ثابت در هند می‌باشد.

یکی دیگر از شرکت‌های چندملیتی شرکت اپل است که در بازارهای جهانی حضور فعال دارد بطور مثال می‌توان گفت که این شرکت هر گوشی آیفون ایکس را به قیمت ۳۰۰ دلار در چین تولید می‌کند در حالیکه شرکت مادر و مرکزی در ایالات متحده آمریکا حضور دارد ولی این گوشی را در بازارهای جهانی به قیمت ۸۰۰ گاهی بیش از یک هزار دلار می‌فروشد و سرمایه‌ای معادل ۲۵۰ میلیارد دلار دارد این شرکت مقرون به صرفه‌ترین مناطق را همیشه برای تولید و انتخاب می‌کند و همیشه سعی می‌کند تخفیفات مالیاتی را از ملت‌های میزبان بگیرد.

شرکت رایانه‌ای اپل که توسط استیو جابز در آمریکا تشکیل شد و دفتر این شرکت در آمریکا حضور دارد در هند دارای شرکت‌های تابعه است که به تولید صنایع و سخت‌افزارهای زیر می‌پردازند سخت‌افزارهای کامپیوتری لوازم مصرفی الکترونیکی نرم‌افزارهای کامپیوتری طراحی نیمه هادی‌ها آمازون در هند دارای یک مرکز توسعه می‌باشد علاوه بر آمازون شرکت‌هایی مانند سیتی بانک که فعالیت‌هایی مانند سپرده وام مسکن

و سرمایه‌گذاری کارت‌های اعتباری بیمه و بانکداری الکترونیکی و بازار سرمایه و مشاوره با بانکداری خصوصی انجام می‌دهد در حضور دارد شرکت کوکاکولا نیز که در ایالات متحده آمریکا تاسیس شد و یکی از شرکت‌های پیشرو در زمینه تولید نوشابه است در هند انواع غذاهای رژیمی را با طعم گیلاس و غیره تولید می‌نماید یک شرکت دیگر چندملیتی شرکت هیلوت پاکگراد است که در کالیفرنیا تأسیس شده است این شرکت در هند دارای شعباتی می‌باشد و طیف گسترده‌ای از خدمات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مرتبط با مصرف‌کنندگان و کسب و کارهای کوچک و شرکت‌های بزرگ را ارائه می‌دهد شرکت مایکروسافت نیز در هند حضور دارد و فعالیت خود را از سال ۱۹۹۰ در پینت آغاز کرده است و شعبه هند مایکروسافت فعالیت‌هایی را در زمینه پشتیبانی و غیره را در زمینه نرم‌افزارها آنتی ویروس‌ها ابزارهای حذف بدافزار ارائه می‌دهد. شرکت سونی نیز در هند فعالیت دارد و این شرکت زیرمجموعه‌ای از شرکت‌های سونی در ژاپن می‌باشد و در هند در تولید تلویزیون پروژکتور دوربین دیجیتال کامپیوتر تبلت موبایل لوازم جانبی فعالیت‌هایی را ارائه می‌دهد (Mead & others, 2020: 8).

میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌های چندملیتی چینی در سال ۲۰۰۳ رقمی در حدود ۱٫۹ میلیارد دلار را شامل می‌شد ولی در سال ۲۰۱۸ این رقم به ۱۴۳ میلیارد دلار در رسید و بیش از ۱۵ شرکت چینی فراملی سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را در مقیاس فراملی در کشورهای پیشرفته انجام داده‌اند. یکی از ۸۹ بزرگ‌ترین شرکت‌های چندملیتی شرکت علی بابا که در سال ۱۹۹۹ در چین تأسیس شد و توانست به یک شرکت بین‌المللی و چندملیتی کارآفرین در سطح جهانی مبدل شود و هم‌اکنون دارای یک زنجیره‌ای از ۱۶ هزار کارمند با یک شبکه تجارت آنلاین و تعداد زیادی شرکت تابعه است که سیستم‌های عمده و خرده‌فروشی و بازاریابی الکترونیکی را انجام می‌دهند یک ارتباط عمیق بین شرکت آمریکایی یاهو شرکت علی بابا دارد و شرکت با ۳۹ درصد از شرکت علی بابا را خریداری کرده است و تعامل بین یاهو و علی بابا یکی از نمونه‌های تعامل و ادغام نسبی شرکت‌های چندملیتی در همدیگر می‌باشد همچنین شرکت علی بابا در سال ۲۰۱۱ معادل ۵ درصد از خودش را به مدیریت و کارکنانش فروخته است. در سپتامبر ۲۰۱۲ علی بابا و یاهو به یک توافق مجدد دوباره رسیدند و یاهو سهم بیشتری را از علی بابا خریداری کرد و سهام یاهو در گروه علی بابا به پنجاه درصد رسید که شش و سه دهم میلیارد دلار آن را بصورت نقدی خریداری کرده بود و توانست که از قدرت خود برای انتصاب اعضای هیأت مدیره استفاده نماید هم‌اکنون علی بابا یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تجارت الکترونیک جهان می‌باشد در حدود ۲۳۱ میلیون نفر یعنی حدوداً سه برابر جمعیت ایران را دارد و تعداد کارمندان علی بابا به بیش از ۲۰ هزار نفر رسیده‌اند و هم‌اکنون بیش از ۸۰ درصد تجارت الکترونیک چین بر بستر این شرکت چند ملیتی می‌باشد.

در طول دهه ۱۹۸۰ جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رشد خود را آغاز کرد و سریع‌تر شد و قبل از آن همانطور که اشاره شد مقصد عمده شرکت‌های چندملیتی اروپا و ژاپن بوده است ولی با افزایش رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سهم ایالات متحده آمریکا از ۵۰ درصد داده که در قبل از جنگ سرد و در سال ۱۹۶۷ به ۲۶ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش یافت و رفته‌رفته شرکت‌های خودروسازی و الکترونیک که در ژاپن متمرکز شده بودند و از اوایل دهه ۱۹۷۰ تولیدات خود را در کشور ژاپن انجام می‌دادند و همچنین از ۱۹۷۲ به بعد در او متمرکز شده بودند جریان سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی پس از پایان جنگ سرد و دهه ۱۹۸۰ به سمت هند و چین سرازیر شد.

موضوع دیگری که می‌توان مطرح کرد این است که ایالات متحده تقریباً یک سال تولید ناخالص داخلی جهان و یک پنجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان و بیش از یک سوم بازار سرمایه جهان را به خود اختصاص داده است. در عین حال اقتصاد جهانی برای آمریکا بسیار حائز اهمیت است زیرا شرکت‌های تابعه چندملیتی ایالات متحده که در خارج فعالیت دارند سهم زیادی را در ایالات متحده دارا می‌باشند و این مسئله جریان تجارت و سرمایه‌گذاری سهام بورس را در داخل ایالات متحده افزایش داده است نکته دیگر این است که دلار آمریکا پرکاربردترین واحد پولی برای تجارت و معاملات جهانی است و تغییرات در سیاست‌های پولی در ایالات آمریکا ممکن است که اقتصاد جهانی را تحت تاثیر قرار بدهد (Kose & others, 2017).

هرچند ممکن است شرکت‌های چندملیتی به هند مشکلات و مصائب را ایجاد کرده باعث شده ولی قدرت چانه‌زنی کارگران را برای گرفتن دستمزد بیشتر افزایش داده است و همچنین منجر به این شده است که سطح ارتباط سایر شرکت‌های هند با سرمایه‌گذاری خارجی قدرت آنها را برای افزایش سطح دستمزد کارگران بالا ببرد. هرچند شرکت‌های چندملیتی در بخش‌هایی از جهان منجر به کاهش اشتغال‌زایی شده‌اند اما در بخش‌هایی دیگر اشتغال‌زایی را افزایش داده‌اند مثلاً شرکت و صنعت منسوجات چینی در مکزیک که بوسیله شرکت‌های چندملیتی چینی در مکزیک پیاده شده است برای ۳۰ هزار نفر ایجاد اشتغال کرده است (Sheng, 2018: 40).

۴- نقش منفی شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد جهانی

برخی از چالش‌هایی که شرکت‌های چندملیتی برای کشورهای میزبان عبارتند از: انتقال نامناسب تکنولوژی، ایجاد نامتوازن اشتغال، تمرکز صنعتی و رشد نابرابر، نوسانات در بازار، خرابی‌های محیط زیست، استعمار زنان، شیوه‌های غیراخلاقی تجارت مداخلات سیاسی، تهدید برای صنایع بومی مشکلات فرهنگی و فرسایش محلی فرهنگ (Mead & others, 2020: 7).

شرکت‌های چندملیتی در خاک کشورهای میزبان با مصائبی مانند مالکیت معنوی قوانین سخت‌گیرانه و خطرات سیاسی مواجه می‌باشند و گاهی منجر به ضرر و زیان مشاغل محلی و از بین رفتن منابع طبیعی کشورها به دلیل بدست آوردن سودهای کلان می‌شوند.

همچنین گاهی انتقال سرمایه از خود کشور به شرکت خارج صورت می‌گیرد و این برای اقتصاد ممکن است نامطلوب باشد گفته می‌شود که این شرکت‌ها منابع مالی زیادی را از کشور به دلیل پرداخت سود سهام خارج می‌کنند و این مسئله منجر به ضرر اقتصادی کشورها می‌شود و می‌توانند به اشکال مختلفی مانند تأمین اقتصادی و فناوری مناسب بدتر شدن توزیع درآمدها بشود و به کشورهای میزبان ضربه بزنند که اقتصاددانان مارکسیست بیشترین انتقادات را درباره شرکت‌های چندملیتی مطرح می‌کنند و همچنین مطرح می‌شود که لزوماً انتقال فناوری منجر به توسعه کشورها نمی‌بریم شود اگرچه فعالیت شرکت‌ها در کشور میزبان به سود آن کشور است ولی ممکن است عمده هزینه‌های خود را بر کشور میزبان تحمیل کنند و پرداخت‌هایی که از بابت حجم فروش به شرکت‌های وابسته می‌شود کمتر از حق امتیاز فنی آنها بازپرداخت شود وی همچنین گفته می‌شود برخی انتقال برخی از فناوری‌ها که از نظر اقتصادی دارای مازاد کار مفید نیستیم می‌تواند عواقب جدی برای اقتصاد کشورها داشته باشند همچنین یکی از نقش‌های منفی شرکت‌های چندملیتی می‌تواند مداخلات سیاسی برای به دست آوردن منافع شرکت باشد که عمدتاً در کشورهای توسعه نیافته این مسئله ۹۱ رخ می‌دهد و استقلال و حاکمیت کشورها را ممکن است تحت تأثیر قرار بدهد.

این کشور هند انتقادهایی به فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی وارد است از جمله اینکه آنها به ادغام با شرکت‌های هندی علاقه‌مند هستند و نه به توسعه پروژه‌هایی جدید و همچنین بخش زیادی از منابع مالی خود را از داخل هند تأمین می‌کنند و تأسیسات ساخت و ماشین‌آلات دست دوم که در کشور خودشان منسوخ شده است را به هند منتقل می‌کنند و عمدتاً سودمحور هستند و تمرکز آنها بر سود سریعی می‌باشد و بیشتر سرمایه جذب شده از سمت آن را به داخل کشور خودشان باز می‌گردانم و سود کلانی به دست آوردند و هیچ تلاشی برای اتخاذ فناوری‌های مناسب و متناسب با کشور هند و انتقال فناوری به این کشور را ندارند و همچنین با آزادسازی مالی اجازه حرکت آزاد اقتصاد را نمی‌دهند و آن را تثبیت می‌کنند و ترجیح به تولید و مصرف انبوه را دارند.

همچنین در فرایندهای شرکت‌های چندملیتی ارتباط در اقتصاد منجر به عدم توسعه‌یافتگی صنعتی می‌شود زیرا ارتباطات می‌تواند منجر به این مسئله باعث شود که انتقال تکنولوژی کمتر صورت یابد و در نتیجه عدم توسعه‌یافتگی صنعتی را نیز در بر داشته باشد همچنین شرکت‌های چندملیتی سعی دارند که با قراردادهای کوتاه‌مدت فرصت کمتری را برای یادگیری و ارتقای محلی انتقال تکنولوژی به شرکت‌های محلی بدهند.

اعتقاد بر این است که شرکت‌های چندملیتی منجر به ایجاد پیوندهای افقی نیز می‌شوند و به‌طور بالقوه می‌توانند حق تولید کنندگان و مصرف کنندگان را از بالا به پایین تأمین می‌نمایند. علاوه بر این حضور شرکت‌های چندملیتی از دهه ۱۹۹۰ به بعد منجر به کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در اقتصادهای محلی شده است زیرا این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری‌ها را جذب می‌نمایند. برخی از اندیشمندان علوم سیاسی شرکت‌های چندملیتی جدید را به لویاتان‌های جدید تشبیه می‌نمایند که دولت‌های ملی را نادیده گرفته‌اند و با این مفهوم بیگانه هستند مهاجرت‌هایی که توسط شرکت‌های چندملیتی اتفاق افتاده است به عقیده برخی از کنترل دولت‌های حاکم فراتر رفته است و منجر به عدم احترام به جریان‌های ملی و مرزهای آن کشورها شده است و یک نوع تخطی را در این مسئله بوجود آورده است شرکت‌های چندملیتی امروز یک نیروی مدرن فرهنگی اقتصادی و سیاسی در جهان هستند و هر روز بر زندگی میلیاردها نفر تأثیر می‌گذارند و اغلب به روش‌های پیچیده و نامحسوس مشغول فعالیت هستند و شرکت‌های بزرگ چندملیتی اغلب به دنبال روش‌هایی برای به دست آوردن نفوذ سیاسی و اعمال فشار بر دولت‌ها می‌باشند تا یارانه‌ها را کاهش دهند و بار مالیاتی آنها را نیز کاهش دهند و همچنین به دنبال جستجوی روش‌های مدرن برای کم کردن هزینه‌های تولید می‌باشد.

۹۲
گفته می‌شود که شرکت‌های چندملیتی مهاجرت از روستاها را به شهرها افزایش داده‌اند. شرکت‌های چندملیتی در راستای افزایش فروش خود نوعی مصرف‌گرایی را در سطح جهانی ترویج می‌نمایند اما شرکت‌های چندملیتی تا دهه ۱۹۷۰ قبل از دوران جنگ سرد با وجود افزایش اشتغال‌زایی منجر به کاهش سطح درآمد جهانی شده بودند و رقابت برای به حداقل رساندن هزینه کارگر و در بین شرکت‌های چندملیتی وجود داشت همچنین شرکت‌های چندملیتی تا حدودی ایمنی شغل و ساعات کاری و مراحل رسیدگی به شکایات را تحت تاثیر قرار دادند و دستمزد کارگران در کشورهایی که شرکت‌های چندملیتی حضور دارند تحت تاثیر افزایش بهره‌وری قرار گرفته است و شرکت‌های چندملیتی منجر به این مسئله شده‌اند که کارفرمایان در برابر کارگران قدرت بیشتری داشته باشند از نظر بسیاری شرکت‌های چندملیتی منجر به این شدند که مارک‌های مصرفی جایگزین ایمان مذهبی شود و همچنین نوع بیک شرکت‌های چندملیتی به نوعی فرهنگ جهانی و همگن‌سازی فرهنگ جهانی اقدام نموده‌اند و به نوعی فرآیند آمریکایی‌سازی را در سراسر جهان پیاده کردند مثلاً مک‌دونالد می‌توان اشاره کرد که در هر کجای جهان باشد همیشه یک مدل از استاندارد را برای خود مشخص کرده است و همچنین شرکت‌های چندملیتی منجر به فقیرتر شدن کشورهای فقیر و مردمان کشورها شده‌اند.

از اثرات منفی شرکت‌های ملیتی جلوگیری از صنعتی‌سازی داخل و جلوگیری از اقدام در پایه اقتصادی می‌باشد که این مسئله در کشور مالزی تاحدی مشهود بوده است و منجر به انتقال و توسعه فناوری به مهارت‌ها در سطح مونتاژ و درصد سطح پایین تکنولوژی شده است.

یکی از مشکلات شرکت‌های چندملیتی در چین مسئله کمبود قدرت گفتمان است شرکت‌های چندملیتی برق در چین، ژاپن، تایلند و هند حضور دارند و سعی دارند که بازار برق برمه را نیز در دست بگیرند پس از ایالت متحده آمریکا مکزیک پذیرای شرکت‌های چندملیتی چینی می‌باشد و محصولات چینی به وسیله خرده‌فروشی‌ها و عمده‌فروشی‌ها در مکزیک به فروش می‌رسند و شرکت‌های چندملیتی چینی ۸۴ هکتار زمین را در مکزیک خریداری کرده‌اند و در آن چهار هزار خانه مسکونی را برای ۲۵۰۰ نفر از افراد مشغول در شرکت‌های چندملیتی حاضر در مکزیک ساخته‌اند (Sheng, 2018: 40).

در ایالات متحده آمریکا در اوایل دهه ۱۹۹۰ قانونی تصویب شد که برای شرکت‌های چندملیتی تخفیف مالیاتی و یارانه‌هایی به مبلغ حدود ۲۰۰ هزار دلار برای ایجاد هر شغلی که توسط کارخانه ایجاد شود در نظر گرفته می‌شد که این مسئله میزان مالیات شرکت‌های چندملیتی در خاک ایالات متحده آمریکا را پس از جنگ سرد تا اندازه زیادی کاهش داد و توانست محیطی را برای رقابت اینکه شرکت‌ها با همدیگر در خاک آمریکا فراهم نماید در برابر برخی از شرکت‌های چندماهه ملیتی که ناقض استانداردهای محیط‌زیستی و ۹۳ اجتماعی هستند شرکت‌هایی مانند فورد موتور نایک نیسان AT & T و شل استانداردهای بالای محیط‌زیستی و اجتماعی را رعایت می‌کنند و نشان داده شده است که این شرکت‌ها سطح بالایی از عملکرد اقتصادی را دارا می‌باشند.

شرکت‌های چندملیتی در عرصه سیاسی نیز ورود می‌کنند و تبلیغات انتخاباتی برخی از کاندیداها را در کشورهای مختلف ولی در درجه اول در ایالات متحده آمریکا را تأمین می‌کنند مثلاً در سال ۱۹۹۹ رقمی در حدود ۱,۵ میلیارد دلار هزینه لابی‌گری شرکت‌های چندملیتی در ایالات متحده آمریکا تخمین زده شد که شرکت‌های چندملیتی دارویی بیمه آب برق و گاز نقش بسیاری در لابی‌گری سیاسی در ایالات متحده آمریکا را داشته‌اند.

باتوجه به مالکیت وسیع دارایی‌های چندملیتی در کشورها این شرکت‌ها می‌توانند دامنه وسیعی در تحرک اقتصاد فراملی داشته باشند و ویژگی‌هایی مانند نیروی کار و سرمایه‌ای بالا می‌تواند قدرت سیاسی قابل توجهی را به شرکت‌های چندملیتی بدهد شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده آمریکا برای فرار از مالیات در سراسر جهان سرمایه‌گذاری کردند و توانستند از یارانه‌های قابل توجه کشورهای میهمان برخوردار شوند.

قانون محلی انتخاباتی فدرال حضور مستقیم برای در انتخابات را برای شرکت‌های خارجی ممنوع کرده است ولی با این حال شرکت‌های تابعه داخلی که از شرکت خارجی و مادر تبعیت می‌کنند می‌توانند در انتخابات فدرال لابی‌گری را انجام بدهند (Lee, 2020: 11).

یک مورد دیگر که به آن می‌توان اشاره کرد این است که سیاست‌های ترامپ علیه مکزیک نیز که خواهان برگرداندن صنایع از مکزیک به سمت آمریکا بود و سعی می‌کرد که مکزیک را از قرارداد نفت خارج کند نیز به ضرر شرکت‌های چندملیتی بود زیرا شرکت‌های چندملیتی از ۱۹۶۹ هزینه‌های بسیار زیادی را در زیرساخت‌های مونتری مکزیک انجام داده بودند و به انتقال بخشی از صنایع توسط شرکت‌های چندملیتی به مکزیک بواسطه نیروی کار ارزان قیمت آن کشور منجر به از دست رفتن مشاغل شده بود نزدیکی آمریکا و مجاورت جغرافیایی آمریکا و مکزیک یک نمونه دیگر از این مسئله است که شرکت‌های چندملیتی به مکزیک علاقه داشتند زیرا از لحاظ حمل‌ونقل و همچنین از لحاظ نیروی کار ارزان قیمت مکزیک برای شرکت‌های چندملیتی آمریکایی بسیار جذاب بود (Feng, 2019: 2).

در مجموع از ۱۲ فوریه ۲۰۱۰ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۱۸ در مجموع ۱۱۸۳۶۷ مورد ورود لابی‌های شرکت‌های چندملیتی به داخل کنگره‌های ایالات متحد آمریکا ثبت شده است که این لابی‌ها سعی دارند که در نحوه قانونگذاری آمریکا که منافع آنها را تامین می‌کند نقش داشته باشند بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ در حدود ۱۹۰ عنوان قانون تحت نفوذ شرکت‌های چندملیتی برای بررسی به کنگره ایالات متحده آمریکا ارسال شد که در مجموع ۳۲ مورد از آنها به قانون تبدیل شده‌اند.

در دولت ترامپ سعی کرد که سی و پنج درصد نرخ مالیات متغیر را برای شرکت‌های چندملیتی افزایش دهد که این مسئله فعالیت شرکت‌های چندملیتی را در ایالات متحده بسیار دشوار نمود در نوامبر ۲۰۱۶ دموکرات‌ها توانستند با حمایت لابی‌های شرکت‌های چندملیتی ۵۷ درصد از کنگره را بدست بیاورند.

نتیجه‌گیری

همانطور که در متن اشاره شد و مورد واکاوی قرار گرفت شرکت‌های چندملیتی دارای تبعات مثبت و منفی در اقتصاد جهانی می‌باشند که از جمله تبعات مثبت شرکت‌های چندملیتی در اقتصاد جهانی افزایش تولید، افزایش صادرات، ایجاد شغل، افزایش صادرات کشور میزبان، باز شدن بازارهای جدید در سطح جهانی برای کشور میزبان و انتقال فناوری به کشورهای میزبان شرکت‌های چندملیتی می‌باشد. همچنین باید به این مسئله اشاره کرد که شرکت‌های چندملیتی در طی دهه‌های اخیر نقش بسیار فعالی در روند اقتصاد جهانی ایفا نمودند.

اما شرکت‌های چندملیتی نیز مانند هر پدیده‌ای دارای ابعاد منفی نیز می‌باشند که از جمله آنها می‌توان به غارت منابع طبیعی کشورهای میزبان، وابسته شدن کشورهای میزبان به شرکت‌های چندملیتی، اعمال نفوذ سیاسی شرکت‌های چندملیتی در کشورهای میزبان و دخالت در انتخابات شرکت‌های میزبان و افزایش فاصله طبقاتی در کشورهای میزبان را می‌توان از جمله عوامل منفی درباره شرکت‌های چندملیتی در نظر گرفت و عده زیادی معتقد هستند که در نتیجه نهایی می‌توان گفت که شرکت‌های چندملیتی دارای ابعاد مثبت و منفی می‌باشند و این مسئله تنظیم روابط یک کشور با شرکت‌های چندملیتی به چه شکل باشد می‌تواند عامل تعیین کننده سود بردن آن کشور از شرکت‌های چندملیتی باشد و یا در صورتی که شرکت‌های چندملیتی اقتصادهای ملی و اقتصادهای خرد در کشورهای میزبان را از بین می‌برند و همچنین در صورتی که شرکت‌های چندملیتی در خاک کشور میزبان مایل به انتقال فناوری نباشند که این مسئله می‌تواند صنعتی شدن آن کشور را کند نماید.

باید افزود شرکت‌های چندملیتی ممکن است به خاک کشور اصلی خود نیز که شرکت مادر در آن قرار دارد نیز آسیب وارد نمایند و منجر به این مسئله شوند که قیمت و حقوق کارگران در کشور مادر کاهش یابد و بیکاری در کشور مادر افزایش یابد که نمونه بارز آن قرارداد نفتا بین مکزیک و آمریکا است که این منجر به کاهش حقوق کارگران آمریکایی و افزایش بیکاری در آمریکا و در سوی دیگر منجر به اشتغال‌زایی در مکزیک ۹۵ شده است که برای آمریکا دارای ابعاد منفی در این بخش بوده است اما در بخش اشتغال‌زایی برای کشور مکزیک دارای ابعاد مثبت بوده است.

و حضور شرکت‌های چندملیتی در خاک یک کشور هم می‌تواند بعنوان یک عامل فرصت برای رشد اقتصادی و توسعه فناوری و هم می‌تواند بعنوان یک عامل منفی برای ایجاد وابستگی عمل نماید و حکم یک چاقوی دو لبه را دارا می‌باشد و نحوه مدیریت حضور یک شرکت تامین لیتی در خاک یک کشور با سیاستگذاری دولتمردان آن کشور ارتباط مستقیم دارد.

فهرست منابع

- 1- Alfred D. Chandler Jr, B. M (2005). *Leviathans: Multinational Corporations and the New Global History*. United States of America by Cambridge University Press, New York. <https://www.cambridge.org/9780521840613>
- 2- ALI, A. J (2010). "Managing MNC-Government Negotiations in Saudi Arabia: The Key Role of Elites", *Journal of Promotion Management*.
- 3- Bessant, T. M. S. J. J (2020). "Factors influencing the application of nature as inspiration for sustainability-oriented innovation in multinational corporations", *WILEY Business strategy and the Environment*, Volume 29, Issue 8.
- 4- Christina Anderer, A. D., Lisa Lechner (2020). "Trade policy in a "GVC World": Multinational corporations and trade liberalization", *Business and Politics*, Volume 22 - Special Issue 4 - December 2020.
- 5- Feng, Y (2019). "Overseas Operation, Regulatory Lobbying, and Exit Threat of US Firms", *International Political Economy Society*.
- 6- Hansen, E (2011). *Multinational Corporations and Local Firms in Emerging Economies*, Amsterdam University Press, Amsterdam University Press.
- 7- Ita, Chima Menyelim Mathias (2020). "Role of Multinational Corporations in Global Economic Practice: Literature Review", *Journal of Management Information and Decision Sciences*, Volume 23, Issue 5.
- 8- J. Eluka, N.-O. P. U., Anekwe Rita Ifeoma (2016). "Multinational Corporations and Their Effects on Nigerian Economy", *European Journal of Business and Management*.
- 9- Lee, J. (2020). Political Activities of Foreign Multinational Corporations in the United States.
- 10- L. M. Lucas (2006) The role of culture on knowledge transfer: the case of the multinational corporation, *The Learning Organization*, 2006 Vol.
- 12- Motohashi, K (2015). *Global Business Strategy Multinational Corporations Venturing into Emerging Markets*, Springer Texts in Business and Economics.
- 13- M. Ayhan Kose, C. L., Franziska Ohnsorge, Marc Stocker (2017). Understanding the global role of the US economy, VOXEU <https://voxeu.org/article/understanding-global-role-us-economy>
- 14- Sakr, M (2018). *Emerging African multi-national corporations: trends and determinants*, University of Pretoria.
- 15- Sheng, L. (2018). The Role of Political Factor in Strategy Failures of MNCs In Emerging Economies.
- 16- Xie, R. L. J. J. C. L (2020). *Corporate Governance of Chinese Multinational Corporations*, Palgrave Macmillan; 1st ed. 2020 edition.